

# واحدهای مهمان‌نوازی در دریای شن

نوشته ژوزف شلهد



سکّه مهمان‌نوازی دورو دارد. به مفهوم عام کلمه، جزئی از فعالیت‌های تشریفاتی و اجتماعی هر ملت است. به مفهوم خاص، این امر ایجاد رابطه ویژه‌ای بین میزبان و مهمان می‌کند. بین قبائل بوی با پادیه‌نشین که در مهمان‌نوازی شهره خاص و عام‌اند، مهمان مورد حمایت و مراقبت میزبان قرار می‌گیرد و بدانوسیله بر طبق اصول شرافت پادیه‌نشین از حقوق و مزایای قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌شود. مهمان‌نوازی از اقدام ساده سخاوتمندانه که شامل مراقبت از یک نفر در یک مسکن کوتاه است شروع می‌شود، و به نهادهای ارتقاء می‌یابد که تشریفاً به غریبه‌ای که وارد خانه‌های می‌شود امتیازات مسافرتی اعطا می‌گردد.

البته پادیه‌نشین‌ها تنها مردمی نیستند که منزلات ویژه‌ای برای مهمانان خود قائل می‌شوند. فوستل دوکونان تاریخ‌نویس فرانسوی در کتابی زیر عنوان سرزمین باستان (۹۸۶۳) نقش مذهب در تاریخ یونان و روم را خاطر نشان می‌کند که غذائی که در محراب تهیه و بین چند نفر هم‌کیش توزیع می‌شد بین آن‌ها انحصاری ناگسستی بوجود می‌آورد و غریبه‌ای که در صرف غذا با آن‌ها شراکت می‌کرد عضوی از جامعه مذهبی آن‌ها می‌شد. اما مهمان‌نوازی سنتی اعراب پادیه‌نشین، هم در تئوری و هم در عمل، دارای مفاهیم وسیعتری است. تنها لیوان آبی که فرد غریبه در آن لب‌عاش را خیس کرده است به اندازه یک مهمانی مجلل برای او ارزشمند است. دلپش آن است که مشقت زنده ماندن در سرزمینی خشک و بی‌آب و علف که بسدوی‌ها در آن زندگی می‌کنند احساس هبستگی را بوجود آورده و بجای هرج و مرج، نهادهای مسفندی را جاسجیزین کرده است که یکی از آن‌ها مهمان‌نوازی است. با استفاده از موهبت غذا غریبه‌ای که به سرزمینی وارد می‌شود می‌تواند مثل عضوی از بومیان صحرا آزادانه به هر نقطه‌ای که بخواهد سفر کند.

معلم مدرسه قرآن روی شن می‌نویسد  
والسلام علیکم



مجموعه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی



شروع شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اولین آیین عرب در پذیرش مهمان این است که این امر مطلقاً مجانی است، حتی اگر توقف مهمان چند روزی به درازا بکشد. به عبارت دیگر اگر در مقابل این پذیرائی چیزی به میزبان تقدیم گردد به او اهانت می‌شود. لاشاً این مهم‌ترین جنبهٔ مهمان‌نوازی اعراب بدوی نیست بلکه قوانین معینی بر رفتار میزبان و مهمان حاکم است.

## اولین علامت مهمان‌نوازی آتش فروزانی است

### که در تمام طول شب شعله می‌کشد؟

شرای پادیه از تحسین کسانی که سخاوتمندانه به مهمانان خود توجه می‌کنند و نمی‌گذارند که کم و کاستی در آن باشد دریغ نمی‌کنند. لاشاً آنچه را که آن‌ها پیش از همه تحسین می‌کنند فراوانی غذا و ظرفیت در چین یک سفره هفت رنگ برای مهمان نیست. هر چند البته این نکات کاملاً قابل تحسین‌اند. بلکه روش برخورد با مهمان و نحوه پذیرائی از او حائز اهمیت است. مهمان‌نوازی در سرحد عالی باید در قالبی ملموس و قابل رؤیت باشد. اولین علامت آن یک آتش بزرگ در محیط باز است، که رئیس خیمه تا صبح روشن و فروزان نگه می‌دارد تا مسافرانی که مأوا می‌جویند با دیدن آن بدانند که استقبال گرمی در انتظار آن‌ها است. آتش باید فروزان باشد تا از راه دور دیده شود. یک میزبان سخی آتش دیگری بر بالای تپه برمی‌فروزد تا مثل فانوس دریا می‌آیند روشن شن و روشن کند.

اگر کسی در روشن نگه داشتن آتش کوتاهی کند و خست به خرج دهد و یا بعداً آن را خاموش کند، یا بگذارد بخوشی دیده شود که در نتیجه مهمانان وارد نشوند باید در انتظار شمانت و دشنام باشد. اگر پیشخدمتی که مسئول روشن نگهداشتن آتش است خواب برود یا بگذارد آتش خاموش شود، سگ نگهبان باید

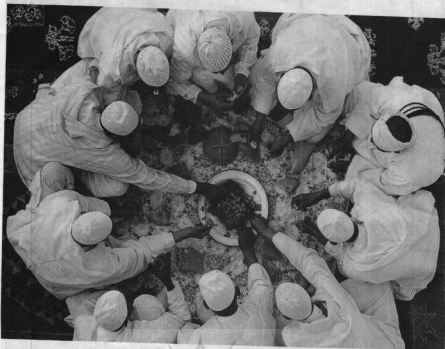
مسئولیت را بر عهده گرفته عود کند تا مسافران بتوانند محل چادر را پیدا کنند. شاعران قابلیت این سگ‌ها را در انجام وظیفه‌شان که باعث جلب توجه مهمانان می‌شود می‌ستایند. با وجود این گاهی حتی سکوت سگ‌ها می‌تواند دلیل مهمان‌نوازی زیاد رؤسای قبایل باشد که آفتند از مهمانان پذیرائی می‌کنند که دیگر سگ‌هاشان به گشته یکی از شصرا نسبت به وحسرت سابهائی که به آنجا نزدیک می‌شوند بی تفاوتی می‌شوند.

اما البته این پیش از هر چیز به دست خود صاحب چادر است که نشان دهد میزبان لایحی است. بسمحض اینکه اعلام می‌شود مهمانی از راه رسیده است او پیش از سایر افراد گروه برای دعوت از او شتاب می‌کند. با یخندنی صمیمانه سلام می‌کند و خوش آمد می‌گوید. او نباید اسم مهمان را ببرد و یا مقصود از سفر و طول مدت توقف او را جویا شود. تنها سؤالی که او مجاز است از مهمان بپرسد اینست که آیا احساس راحتی می‌کند یا نه. باید در تلاتی مجدداً به باشد تا مهمان کاملاً احساس آرامش کند و با تفکّر و دلواپسی بکوشد تا هر خواسته او را برآورد. از مهمان دعوت می‌شود تا در صرف غذا شرکت کند. میزبان بدون اینکه به غذا دست بزند منتظر مهمان می‌ماند از او دعوت می‌کند غذا را و بخصوص خوشمزترین آن‌ها را انتخاب کند و تا وقتی که مهمان می‌گوید که می‌خواهد بخوابد او را تنها نمی‌گذارد. و بطور خلاصه باید هر تلاتی به عمل آید تا اطمینان حاصل شود که از استقبالی که از او به عمل آمده کاملاً راضی است و پس از این احساس قبیله را ترک می‌گوید.

وقتی میزبانی خواهد درجه احترام خود را به مهمان نشان دهد تشری را به افتخار او نحر می‌کند. میزان اهتبی که او برای مهمان خود قائم می‌شود با اندازه تشری که برای او قریبانی می‌کند و ظروفی که در آن برای او غذا می‌ریزد متنعکس می‌شود. هر چند کشاورزان پادیه‌نشین غالباً با مرغ از مهمان خود پذیرائی می‌کنند این عمل بسیار ناپسندیده تلقی می‌شود. تنها حیوانی که

مهمان‌نوازی به رسم قبائل بدوی





تیز دقیقاً تابع اصول شرافت باویشینی است.

بدوی‌ها می‌گویند کسی که به عنوان مهمان مورد استقبال و پذیرائی قرار می‌گیرد، در آن واحد یک شاعرانه، یک زنعانی و یک شاعر است. بسالتر از همه او یک شاهزاده است زیرا او سزاوار هرگونه احترامی است. اما در مقابل رفتار او باید در خور شأن کسی باشد که در پناه یک ولیعت است. جالب توجه اینکه فعل عربی اضافه به معنی مهمان‌نوازی کردن در عین حال معنی اضافه کردن، ملحق کردن و مفید و مسوطف ساختن نیز هست. کسی که مورد استقبال و پذیرائی قرار می‌گیرد به سان امیری و مستعزبان است زیرا باید از هر لحاظ بر طبق دستورات میزبان خود عمل کند. بریزه، باید در جایی زندگی کند که به او داده می‌شود خوش اخلاقی باشد، صداش را بلند نکند و برای هرچه که به او داده می‌شود سپاسگزار باشد حتی اگر به او یک گانه ماست داده شود. امتناع از خوردن غذائی که مخصوص مهمان تهیه شده به مفهوم احساس خصومت یا میزبان است. بر مهمان واجب است به مکانی که در آن از او پذیرائی می‌شود احترام بگذارد، به زنان پا دیده احترام نگیرد و از هرگونه کجروی امتناع ورزد. وقتی از قبیله رخصت می‌طلبد رفتار او به سان یک شاعر است؛ هرچا می‌رود از خانه‌ای که در آن از او پذیرائی شده تحسین و تمجید می‌کند و توجهی را که به او می‌نماید شده است بازگو می‌کند.

مهمانی که مرتکب کردار ناپایستی از قیل زدنی، فریبی، یا دروغ شود قوانین مهمانیت را نقض کرده و بسرای همیشه

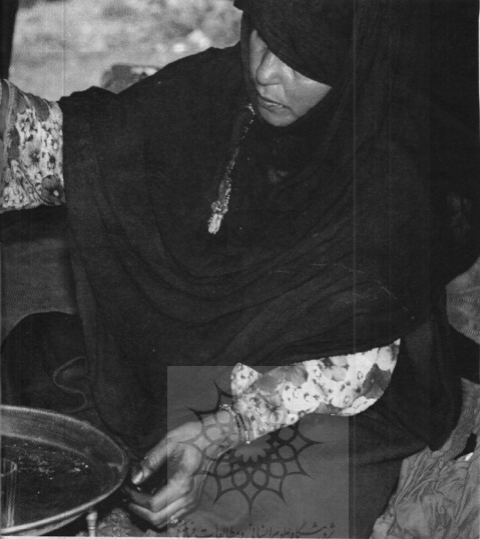
حداقل به اندازه یک گوسفند باشد نظر آن‌ها را تأمین می‌کند اگر مهمان سهم دیگری از راه برسد حیوان دیگری قربانی می‌شود. به هر حال باید خوبی ریخته شود زیرا به این وسیله با مالین خون حیوان قربانی شده روی بدن اسب یا شتر مهمان نشانی از استقبال گرم قبیله یا او خواهد بود.

هرچند بریزه وقتی میزبان نرومند نباشد، پذیرایی با غذای زیاد بسیار تحسین انگیز است. با اینهمه میزان غذایی که به مهمان تعارف می‌شود معیار و محک مهمان‌نوازی نیست. قانون طلایی مهمان‌نوازی عرب پایه تقدیم هستی خود به مهمان و محروم کردن خود و خانوادشان از آن است. ثنودور لاسکارس، مأمور مخفی ناپلئون و مترجم و راهنمای سوری او فتح‌الله سائق به خانه پیرزن قلبر و بیوه‌ای از قبیله بدوی سارده در اردن درآمدند و او به افتخار آن‌ها تنها گوسفند خود را قربانی کرد. آن‌ها از او پرسیدند: «مادر بزرگ، چرا اینطور نعمت خدا را ضایع می‌کنی؟» او پاسخ داد: «اگر شما وارد خانه‌ام نم‌زنده‌ای شوید و مهمان‌نوازی نکنید، مثل اینست که به دیدار مردگان رفته‌اید»\*

## مهمان یک بدوی در حکم یک شاهزاده، یک زنعانی، و یک شاعر است

شعری عرب که اشعار فراوانی درباره میزبانان عالی سروده‌اند تقریباً سخی از مهمان به میان نیاروده، از او به عنوان فردی انفعالی و دارای نقش ثانوی یاد می‌کنند. در واقع رفتار مهمان

\* «مخاطرات فتح‌القسانی» دست‌نوشته‌ای به زبان عربی مسقطی که در مسوود دست‌نوشته‌های پاریس نگهداری می‌شود. آفرنس دو لاسارین، شاعر فرانسوی ضمن سفرهای خود در مسوود در ۱۸۴۲ آنرا گردآوری کرد. ترجمه فرانسوی این دست‌نوشته در جلد چهارم کتاب لاسارین «عنون سفر به نمری (۱۸۳۳ - ۱۸۴۲)» آمده است.



شهرستان کوهپایه‌ها، استان زنجان

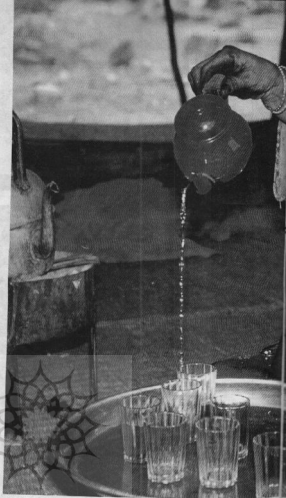
مورد نفرت و بی‌احترامی خواهد بود. برای تأکید بر اهمیت موضوع، صاحب خیمه ظرفی را که در آن طبخا به مهمان تعارف شده سوراخ می‌کند و برای قبیله مهمانی که مرتکب اهانت شده است می‌فرستد. با این عمل سمبولیک او برای همه اقشاه می‌کند که قوانین مقدس مهمان‌نوازی نقض شده است. در نتیجه شخص مقصر مورد اعانت و تحقیر قرار می‌گیرد، کسی به حرف‌هایش گوش نمی‌دهد از مصاحبت با او پرهیز و تمامی درها به رویش بسته می‌شود.

مهمان‌نوازی عرب متضمن روابط دوجانبه یعنی وظایف و حقوق ویژه‌ای بین میزبان و مهمان می‌باشد. این وظایف و حقوق محکی است برای سنجش مهمان‌نوازی. کسی که به عنوان مهمان مورد پذیرائی فسرار مسی‌گسیرده موجودی منزه و تقریباً مقدس است که از میزبان، اعضای خانواده او و در حقیقت قسبیلۀ او انتظار مسی‌رودت‌ساز او

### ژوزف شلهاد

جامه‌شناس و مردم‌شناس فرانسوی  
 سوری تبار که مدبر انتقادی  
 تحقیقات در مرکز ملی تحقیقات  
 علمی فرانسه است. پیش از یکصد  
 رساله علمی و تعدادی کتابچه منجمله  
 تاریخ تمدن عربستان جنوبی در سه  
 جلد به رشته تحریر درآورده است که  
 در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۳ توسط  
 مؤسسه انتشاراتی مزوتو و لاروس  
 در پاریس منتشر شده است.

به این ترتیب مهمان‌نوازی سه نوع حق اساسی پدید می‌آورد که تخطی از هر کدام متضمن تشبیه است؛ حق مأوانی که مصونیت آن نقض شده باشد، حق میزبانی که به حیثیت و حرمت او تجاوز



شده باشد و حق نمکی که مورد احترام قرار نگرفته باشد. نشیبه هر طرف ریختن چای نماند.

### شهرستان علم از انوار مطالبات مال جامع علوم اشراق

که پیوسته سنگین است، با خلافت که سنگت چندان هم بزرگ نباشد، از قبیل زخم زبان، گناهای ناپسند، اشارات مزجر کننده، تناسب ندارد. جبران گناه بر دوش مهمان است که باید با دست گرفتن یک پرچم سفید در سه محل مسکونی اعتراف کند که شرف و حیثیت صاحب خیمه پاک و منزّه است و خلاصه آنکه او هروسفیده است.

البته شهر نشینان و روستائیان هم از غریبهها استقبال می کنند، اما وقتی موردی از بذیرانی پیش می آید، وطائف مهمان نوازی از حوزه قوانین ادب و نزاکت مستعارف فراتر نیست. در شهرهای بزرگ و کوچک به صرف پیش هم نشستن دور یک میز حق و امتیاز خاصی به طرفین تعلق نمی گیرد. بسیاری از این موارد وقتی پیش می آید که یک عرب همسایه یا دوستش را به مجلس از نواج، جشن تولد، ختنه (با یا در مورد

مسیحیان غسل تمیید، مراجعت از یک سفر زیارتی، مراسم سال نو، یا جشن ها و یادواره های مذهبی دعوت می کند. اما این نوع مهمان نوازی ها رابطه چندانی با آسین سنتی و رفتار اجتماعی ندارد. این موضوع مربوط به آداب معاشرت است که نه حقی و نه وظیفه ای در آن مطرح نمی باشد.

طهاراً اکنون قوانین سنتی مهمان نوازی بدوی، حتی در میان بدویان که شمارشان به تدریج رو به افول است به پوئه فراموشی سپرده می شود. باستانه یک گروه از بدویان که در حاشیه ربع الغالی زندگی می کنند و برای ادامه نحوه زندگی خود از راه های آهین دارند دنیای بدویان بزودی از خاطرها مسح خواهد شد.

صحرائی افریقا در حال مکانیزه شدن است و شتر جای خود را به جیب می دهد و مهمان نوازی عرب بساده که پیوسته سخاوتمندانه و مودبانه بوده است تحت الشعاع نظام ماشینی قرار می گیرد. هتل ها و توقفگاه های بین راه جای خیمه های سیاه سال پیش را می گیرند. این خیمه ها سمبول زمانی بودند که متأسفانه دیگر در بین نیست. معذالک گاهی در گوشه و کنار خیمه های به چشم می خورد. اما در هر صورت عرب باید تشریح که هنوز هم نگران دردی سفید خود می باشد و از آن می ترسد که اگر از مهمان خود به گرمی استقبال نکند آنرا از دست می دهد. کرامت و تشریفات را که جزء لاینفک مهمان نوازی است فراموش نکرده است.

ترجمه ج. بهزادی





پوشاک و ملبوسات  
برای جلیع علوم آسانی

